[صد و سی و هفت]

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
> [illegible]
> [illegible]

اساسا در هویات شخصیتی، میتوان به هویت ذات الشئون تحدی کرد، یعنی مرکزیت تحدی بر نفس هویت است، و جهات تحدی به ترتیب لایههای ابیتالی تشکیل میدهند، یعنی همانکه اصلا در فرمایش شما به چشم نمیخورد چون جهات را إما و إما در نظر میگیری، در مثال حافظ که عرض کردم، چرا تفسیری میفرمایی اگر قرینهای نباشد یعنی شعر بیاور؟ اگر به عبارت بندهٔ دقت کنی عرض کردم: **«آیا اگر بگویند مثل حافظ بیاور، و اصلا این سؤال مطرح نشود که از چه جهت مثل آن بیاور، درخواست و تحدی عبث و سفهی است؟ ظاهرا مشکلی ندارد، بلکه عرفی است، چرا؟ چون هویت مبهم ندارد، و تحدی به هویت او شده است، تا بعدا موازنه و محاجه صورت گیرد»،** عرض کردم از حیثیت شعر نمیتوان غض نظر کرد، نه اینکه اگر قرینه نبود اساسا تحدی به شعریت باشد به تعبیری شما **«وقتی به ما بگویند مثل دیوان حافظ بیاور؛ یعنی شعر بیاور»،** خیر، تحدی به همین دیوان حافظ است که هویتش، که اصل ساری در شئونااتش هست هر چند جمیع حیثیات را هرگز ندانیم، قابل دسترسی برای همه افراد درگیر تحدی است، و لذا اگر کسی ادعا کرد که از حیث ادبیت و شعر و عرفان و.. مثل حافظ آوردم، مدافع حافظ که به نفس هویت تحدی کرده، در مقام محاجه میتواند بگوید دیوان حافظ در فال غوغا میکند، آیا آنچه تو آوردی میتوان با آن فال گرفت و جواب بدهد؟ (البته بندهٔ مطلق فالگیری ای فالگیری به حافظ را نمیخواهم تاییدی کنم، لازم به گفتن نیست که دارم مثال میزنم)، ببینید چون تحدی به هویت شخصیتی دیوان حافظ بوده، هرگز نمیگوید که فالگیری چه ربطی به تحدی تو در مثل حافظ آوردن دارد؟ خیر، خود را محکوم میبینند چون تحدی به نفس هویت است که ذات الشئون و الحیثیات است.

با توضیحی که عرض کردم جواب از این فرمایش شما معلوم میشود: **«خوب، اگر این قرینه را جدی بگیریم آنگاه اشکال بندهٔ جدی می شود. وقتی هنوز مخاطب قبول ندارد که این متن تدوینی کل تکوینی است این تحدی برایش چه وجهی دارد؟»** لازم نیست که مخاطب این حجت را قبول داشته باشد، چرا؟ چون اصل هویت شخصیتی قرآن کریم در دسترس همه است، هر چند تا ابد تمام حیثیات واقعیهٔ او را ندانیم، همینکه دسترسی به اصل هویت او داریم کافی است که بگوییم مثل این را بیاور، اگر نیاورد که تحدی ناجح است، و اگر آورد تازه اول موازنه است، و در این مرحله لایه به لایه، حیثیات واقعی که این هویت دارد، بررسی شده خود را نشان میدهد.

چیزی را که بندهٔ لایه مرکزی تحدی عرض کردم، شما میخواهید در بدو تحدی به وضوح در دسترس باشد، و این خلاف مقصود من است، چون من تحدی را به نفس هویت که در دسترس همه است مطرح کردم.

بندە معتقدم مثال اعجاز ریاضی قرآن کە نفس الامریت دارد، هنوز زمان آن نرسیدە است، چە برسد بە تودین نگاشتی تکوینی، کە بغرنجترین حیثیت این هویت است در حالی کە خود نفس این هویت مورد تحدی است، و دسترس همە است.

قرآن از آن حیث کە تودین اخباری تکوینی است، شروع و پایان دارد، مصحف الآن ما با سورە مبارکە حمد آغاز میشود، و با سورە ناس پایان مییابد، دقیقا حرف آغازین و حرف پایانی هم معلوم است، اما قرآن از آن حیث کە تودین نگاشتی واقعیات است، شاید نتوان در مصحف مرسوم نشانش داد، و اساسا تودین نگاشتی کە بە منزلە شبیەسازی دقیق و نقشە زندە تکوینی است، هندسە خاص خود دارد، مثال اگر بخواهید یک کرە را تودین اخباری کنید، مقالهای ریاضی مینویسید و تمام چیزهایی کە راجع بە او میدانید ثبت میکنید، این مقالە آغاز و پایان دارد و در دفتر جای میگیرد، اما اگر بخواهید کرە را تودین نگاشتی کنید نمیتوانید آن را در دفتر جای دهید.
کرەای در نظر بگیرید، این کرە یک مرکز دارد، حجم دارد، اما یک چیز زیبا دارد کە محیط کرە است، یعنی سطح دو بعدی خمیدە و منحنی، کە رویە کرە مثل سطح یک توپ است، آیا مرکز این سطح کرە کدام نقطە است؟ آیا نقطە آغازین این سطح کجاست؟ آیا نقطە پایان این سطح کجاست؟ محور تقارن این سطح کجاست؟ واضح است کە هر نقطە را روی این سطح منحنی دو بعدی در نظر بگیرید، میتواند مرکز این سطح باشد، میتواند نقطە شروع این سطح باشد، نقطە پایان باشد، و.. آیا اگر بخواهید این سطح منحنی را تودین نگاشتی کنید میتوانید آن را در مقالە و دفتر جای دهید؟ آیا لازم نیست اینجا یک دفتر کروی درست کنید؟ چرا برای دانشآموزان در درس جغرافیای کرە زمین میبرند؟ چون نقشە مسطح دانشآموز را گیج میکند، حال یک قدم پیش برویم و فرض بگیریم کە فضای سە بعدی کروی داشتە باشیم، در کرە معمولی، در فضای کرە و حجم آن، تنها یک مرکز داریم، اما وقتی یک کرە سە بعدی ااقلیدسی داشتە باشیم، شبیە سطح دو بعدی کرە معمولی، هر نقطە در هر کجای فضا و حجم این کرە در نظر بگیرید، مرکز خواهد بود! نقطە شروع خواهد بود و نقطە پایان! حال اگر بخواهیم این فضای کروی را تودین نگاشتی کنیم باید در چە دفتری قرار دهیم؟ برای دانشآموزان جغرافیای کرە بردیم، برای دانشآموزان کالس هندسە فضایی کروی چە چیزی ببریم؟

اگر قرآن کریم کە در مصحف فعلی ما جلوهگر است، و صبغە تودین اخباری تکوینی دارد، بخواهد در جهت تودین نگاشتی تکوینی جلوە کند، و فرض بگیریم کە نگاشت تکوینی در عالمی با هندسە ااقلیدسی کروی بکند، مصحف بە صورتی جلوە میکند کە هر حرف قرآن کە در نظر بگیرید، هم حرف آغازین قرآن است و هم حرف پایانی و هم حرف وسط!

حال اگر قرآن بخواهد تودین نگاشتی تکوینی در فضازمان بکند، و بعد چهارم را هم نگاشت کند، چگونە میشود؟ شاید بتوان گفت آن وقت هر حرف مصحف میتواند آثار انبساطی هم پیدا کند،(اگر فرض بگیریم کە فضا در حال انبساط است)، مثال بادکنک معروف است، اگر یک قورباغە بادکنک بنویسید و بادکنک را باد کنید، خود حرف منبسط میشود، اگر بخواهید یک ق کە در حال انبساط است را تودین نگاشتی کنید چە میکنید؟ شاید یکی از اعجازهای قرآن کریم در مصحف فعلی، اتفاق تمام مصاحف بر زیاد کردن یاء در «**بأیید**» باشد، و حال آنکە اصال دو یاء ندارید، «بأید» یک یاء نیاز دارد، اما در مصحف آمدە: «**والسماء بنیناها بأییدٍ و إنا لموسعون**[1]»، آیا وقتی صحبت از توسعە دادن است (علی وجە) خود حرف یاء با تکرارش نحوە توسعە را در بین سە حرف «أید» نشان میدهد؟ بە هر حال ما نمیتوانیم هیچ قضاوتی بکنیم، اما وقتی مرحلە مرحلە این حیثیات تودین تکوینی، جلوە کرد، تفاوت قرآن کریم با غیر آن معلوم میشود.

مهم در تبیین مقصود:

با ملاحظە آنچە گذشت، اگر شما بگویید یک کرە مثل این کرە در دست من بیاور، میتوانید بە نفس هویت آن تحدی کنید، و اصال کار نداشتە باشید کە این کرە آنقدر دقیق است کە هر نقطە

روی سطح آن دقیقا می‌تواند مرکزیت داشته باشد، پس اگر کسی کره‌ای آورد و ادعا کرد مثل این است، آن وقت شما توضیح دهید و ابراز کنید که آیا هر نقطه کره تو بالدقه مرکزیت دارد؟ ای خیر، این شبه کره است؟ و همچنین اگر کره دقیق آورد، بگویید این کره من آلیاژ خاصی دارد که در گرما منبسط نمی‌شود، آیا تو چگونه است؟ و..

خصوص وقتی انگیزه تحدی، هدایت و معرفت خداوند و سعادت آخرت و... باشد، یعنی نخواهد مخفی کاری کند، بلکه غیر از واقعیت اعجاز تدوین تکوینی، بخواهد مخاطب را به سعادت برساند.

شاید سابقا عرض کردم که یکی از رموز حدیث ثقلین، همین ظهور انجاز تحدی قرآن کریم به دست امام معصوم ع است، البته گفتم که خداوند قدرت خود را غیر حکیمانه آشکار نمی‌کند، تدوین تکوینی توسط کتاب، مشتمل بر قدرت فوق العاده است، آصف با یک حرف کتاب، تخت بلقیس را آورد، و اذا وقتی که حکمت الهی اقتضاء عقلایی کند، آن روز، روز این آیه است: «**و لو أن قرآنا سیرت به الجبال أو قطعت به الارض او کلّم به الموتی بل لله الامر جمیعا**[2]»، آن روز ، روز ظهور رمز حدیث ثقلین است، چه کسی است که طوری قرآن را میداند که به دست او این آیه ظهور میکند؟

---

[1] سوره الذاریات،آیه ۴۷

[2] سوره الرعد، آیه ۳۵

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 13:53:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 13:54:30 توسط ... .